

خبر

خشک‌سالی بی‌سابقه و کاهش منابع آبی تهران

برنامه‌ریزی برای مدیریت مصرف جواب‌گو است؟

در شرایطی که خشک‌سالی‌های پیاپی، استان تهران و بسیاری از شهرهای کشور را در وضعیت نگران‌کننده‌ای از نظر تأمین آب قرار داده و براساس بررسی‌های آماری بارندگی‌های استان تهران در پنج سال اخیر همواره کمتر از میانگین درازمدت بوده است، باید دید برنامه‌هایی که برای مقابله با مشترکان پرمصرف لحاظ شده، سدی بر روند خشک‌سالی تهران خواهد بود؟ به گزارش ایسنا، بررسی‌های آماری از سوی مسئولان ذی‌ربط در حوزه آب‌نشان می‌دهد بارندگی‌های استان تهران در پنج سال اخیر همواره کمتر از میانگین درازمدت بوده و در سال جاری نیز تنها حدود ۱۴۰ میلی‌متر بارش به ثبت رسیده است؛ رقمی که در مقایسه با متوسط ۲۸۰ میلی‌متری بلندمدت، کاهش چشمگیری را نشان می‌دهد، به‌طوری‌که میزان بارش‌های تهران در مقایسه با دوره آماری درازمدت بیش از ۴۵ درصد و در مقایسه با سال آبی گذشته ۲۷ درصد کاهش یافته است. کاهش بارش‌ها نه‌تنها منابع سطحی را با محدودیت مواجه کرده، بلکه ذخایر سدهای تهران را نیز به‌شدت تحت تأثیر قرار داده، به‌طوری‌که حجم ذخیره آبی نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۶۳ میلیون مترمکعب کاهش یافته است. در همین حال، گزارش‌ها از تداوم شرایط خشک‌سالی در پنج سال اخیر حکایت دارد، به‌ویژه دو سال اخیر که از آن به‌عنوان شدیدترین دوره خشک‌سالی نیم‌قرن اخیر در تهران یاد می‌شود. در این شرایط، تأمین پایدار آب برای کلان‌شهری مانند تهران که تأمین آب آن وابسته به مجموعه‌ای از منابع در استان‌ها هم‌جوار است، نیازمند هم‌راهی و مشارکت جدی شهروندان عنوان شده است.

یادداشت

سیاست امنیت ملی: از موشک تا زنبورک

...از این‌رو بازتعریف دموکراتیک همه نهادهای خرد و کلان حقوق اساسی در راستای دموکراسی مستقیم به یک ضرورت امنیتی تبدیل می‌شود.

تدبیر نظامی و سیاسی هرچند لازم است، اما کافی نیست، از این‌رو یک راه مهم، افزایش ارتباطات اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی است تا کشورها آن چنان با یکدیگر پیوند بخورند که ضربه به یکی، به ضرر دیگران نیز باشد. متأسفانه تحریم‌ها در این حوزه به‌شدت تأثیرگذار هستند و سبب انزوای اقتصاد خارجی ایران می‌شوند. اینکه آیا می‌توان این رابطه را توسعه داد، پرسش مهمی در نوآوری‌های اقتصادی ما ایرانیان است. تجربه اقتصادی «نظام سیاسی» اندک است، مدیران تکنوکرات فاقد تجربه اقتصادی‌اند، «آکادمی-کرات‌ها» و «میلیتاری-کرات‌های اقتصادی»، کفایت و صلاحیت لازم را برای اداره اقتصاد و توسعه اقتصاد مقاومتی ندارند. رویکرد کلی از اقتصاد خصولتی، اقتصاد حکومتی و اقتصاد نظامی باید به‌کلی تغییر یابد و به اقتصاد خصوصی غیرتوده‌ای یعنی «سرمایه‌داری ملی» تغییر یابد تا پشته‌انه مردمی و مهارت‌های لازم برای توسعه اقتصادی ایران فراهم شود.

در حاشیه رونمایی از سامانه حمایت از گزارش‌گران فساد

...اگر چنین مطالعاتی آغاز می‌شد، اما فلن به مسئولان در مورد ضرورت حمایت از گزارش‌گران فساد تذکر می‌دادند؛ زیرا همه جای دنیا گزارش‌گران فساد در معرض تهدید شبکه‌های فساد هستند. در این صورت قانون حمایت از گزارش‌گران احتمالا در سال ۱۳۸۲ تدوین می‌شد، اما اینک با تأخیری ۲۰ساله در این میدان روبرو هستیم. این تأخیر بزرگ همراه با تأخیر اخیرشده در بند یک، هر ناظر خوشبینی را هم به این باور می‌رساند که متولیان امر دغدغه‌های بسیار مهم‌تری نسبت به امر کم‌اهمیت مبارزه با فساد دارند.

۳. قانون حمایت از گزارش‌گران فساد در شرایطی با دو دهه تأخیر تدوین و تصویب شد که ایرادها و ضعف‌هایی جدی دارد که کارآمدی آن را بسیار کاهش می‌دهد. ممکن است گفته شود کاستی‌های هر متن قانونی در میدان عمل کشف شده و درنتیجه قانون مورد حک و اصلاح قرار می‌گیرد و کارآمدتر می‌شود؛ اما ایرادهای این قانون از همان ابتدا مشخص بود و تدوین‌کنندگان قانون می‌توانستند با استفاده از راهنمایی و مشورت سمن‌های فعال در عرصه فسادستیزی، این ایرادات را برطرف کنند. به‌عنوان نمونه، نه‌تنها قانون رسالت و نقشی بر عهده رسانه‌ها نمی‌گذارد، بلکه حتی به‌طور غیرمستقیم آنها را از پرداختن به مباحث فساد منع می‌کند، درحالی‌که با نگاهی گذرا به کارنامه کشورهای موفق در میدان فسادستیزی می‌توان دریافت که رسانه‌ها نقش مهمی در کشف و مهار فساد دارند. به موجب قانون، گزارش‌گران فساد فقط می‌توانند اطلاعات خود را در سامانه بازگذاری کنند و نباید آن را در اختیار رسانه‌ها بگذارند. ماده ۱۵ قانون تأکید می‌کند: «در هر صورت گزارشگر مجاز به افشا یا انتشار مفاد گزارش خود نیست». همچنین قانون به گزارش‌گران حق را می‌دهد که اگر بار اول گزارش او رد شد، برای بار دوم درخواست رسیدگی بکند و اگر این بار هم رد شد، باید دست از پیگیری پرونده بردارد. بی‌تردید نهادهای رسیدگی‌کننده دقت لازم را در بررسی خود اعمال خواهند کرد، اما محدودکردن گزارشگر به اینکه فقط به سامانه گزارش بدهد و اگر رسیدگی نشد، به‌اصطلاح بی‌خیال شده و موضوع را فراموش کند، اصلا توجیه ندارد و نتیجه‌ای جز گسترش بی‌اعتمادی و ترویج این باور نادرست ندارد که تخلف خودی‌ها حقتشان است و به کسی مربوط نیست.

در چنین فضای بسته‌ای، بدخواهان کشور می‌توانند ادعا کنند هزاران گزارش فساد از مسئولان به سامانه ارائه شده، اما نهادهای رسیدگی‌کننده به آنها رسیدگی نمی‌کنند! درحالی‌که اگر گزارش‌های فساد در رسانه‌ها منتشر شود، بالطبع هم نهادهای ناظر و هم افکار عمومی به آن رسیدگی می‌کنند و هم طرف مقابل فرصت دفاع از خود پیدا می‌کند و از همه مهم‌تر، فرصت دامن‌زدن به جنگ روانی و تخریب فضای اعتماد عمومی و بدخواهان داده نمی‌شود. نکته بسیار مهم‌نی دیگر این است که قانون جز ذکر عبارت اشخاص حقوقی خصوصی در ماده یک، هیچ اشاره‌ای به سازمان‌های مردم‌نهاد فسادستیز نمی‌کند و گویی از دید تدوین‌کنندگان قانون چنین نهادهایی وجود ندارند یا نباید وجود داشته باشند. البته گفتنی است ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری موقعیتی هرچند ضعیف را برای سمن‌ها برای اعلام جرم که طبعاً شامل موارد فساد نیز می‌شود، به رسمیت شناخته است. مروری بر تجربیات جهانی و کارنامه کشورهای موفق در حوزه فسادستیزی نشان می‌دهد سمن‌ها جایگاهی مستحکم و تعیین‌کننده در میدان مبارزه با فساد دارند. مبارزه با فساد را نمی‌توان و نباید در نهادهای دولتی و حکومتی خلاصه کرد؛ زیرا دولت خود بخشی از صورت‌مسئله است نه راه‌حل. حذف سمن‌ها از این میدان فقط یک ارفاق تعیین‌کننده به نفع شبکه فساد است که از شر این نهادهای مردمی مزاحم خلاص شود. به‌طوری‌که ملاحظه می‌شود، هرچند باید رونمایی از سامانه گزارشگری فساد را به فال نیک گرفت، اما باید توجه داشت هنوز مسئولان امر در درک درست صورت‌مسئله و ترسیم مسیر درست مبارزه با فساد، گرفتار مشکلات شناختی هستند. استفاده از ذخیره دانایی جامعه و ظرفیت نهادهای علمی و پژوهشی و نیز تلاش برای برخورداری از تجربه و مشورت سازمان‌های مردم‌نهاد فسادستیز و در کنار آن حمایت از ورود رسانه‌ها به پرونده‌های فساد و تلاش برای گسترش شفافیت مؤثر و اطلاع‌رسانی بی‌طرفانه به جامعه است. به بیان دقیق‌تر، مبارزه با فساد جز با هم‌راهی آگاهانه مردم که دست‌انورد حضور رسانه‌های مستقل و حضور توانمند نهادهای مردمی است، شانس موفقیت ندارد.

ادامه از صفحه اول

چهار اقتصاددان در گفت‌وگو با «شرق» از راه‌های افزایش تاب‌آوری اقتصاد کشور در شرایط جنگی می‌گویند

راه ناگزیر اصلاحات اقتصادی



مehماق سلیمان بیگی

اقتصاد کشور که پیش از این با عارضه‌های متعددی از جمله تحریم، اقتصاد شدیداً دولتی و قیمت‌گذاری دستوری، تورم مزمن، فقر سرمایه‌گذاری، خروج سرمایه، بوروکراسی پیچیده و فساد دست و پنجه نرم می‌کرد، حالا گرفتار جنگ و آتش‌بس ناپایدار شده است. موضوعی که ابهام و نگرانی فعالان اقتصادی را به دنبال داشته است. حالا اقتصاددانان معتقد هستند دولت باید مدیریت شرایط جنگی را برای اقتصاد کشور اعمال کرده و به سرعت دست به اصلاحات نهادی بزند چراکه دیگر جز اصلاحات چاره‌ای نمانده است.

دولت نیازمند تقویت سرمایه اجتماعی است

مهدی یازوکی، اقتصاددان معتقد است که برای افزایش تاب‌آوری اقتصاد کشور باید دو نسخه بلندمدت و کوتاه‌مدت در نظر گرفت. از نگاه او نسخه‌ای که باید برای اقتصاد ایران در بلندمدت تجویز شود، حرکت سیاست‌های کلان حکمرانی به‌سوی ثبات‌سازی اقتصادی است. منظور او از ثبات‌سازی اقتصاد، ایجاد امنیت اقتصادی برای جامعه است که یکی از مهم‌ترین شاخص‌های آن، کنترل تورم است. بنابراین، دولت برای بازگرداندن ثبات و امنیت به اقتصاد ایران، باید مهار تورم را در دستور کار قرار دهد. او به «شرق» توضیح می‌دهد: «همان‌طورکه در نامه ۱۸۰ استاد دانشگاه به درستی اشاره شده، اقتصاد ایران بیش از هر چیز نیازمند امنیت، ثبات و توسعه است. در واقع، این امنیت، ثبات و توسعه هستند که می‌توانند جامعه را در مقابل تهدیدات خارجی حفظ کنند؛ زیرا بزرگ‌ترین سرمایه‌ای که موجب استحکام حکومت‌ها و پایداری کشورها در برابر همه‌جه‌ها می‌شود، حضور و هم‌راهی توده‌های مردم است. اجازه دهید در همین‌جا مثالی بزنم. امروزه برخی از کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس، پایگاه‌هایی به ایالات متحده اختصاص داده‌اند. این مسئله نشان می‌دهد که شما با باید مردم را با خود همراه کنید، یا مجبور به وابستگی به یک قدرت خارجی می‌شوید. راه سومی وجود ندارد. یازوکی ادامه می‌دهد: «متأسفانه شاهد آن هستیم که برخی جریان‌های تندرو به شدت به این استادان که از فرزندان و دلسوزان این کشورند، حمله می‌کنند. تندروهای وابسته به دولت پنهان و بهره‌مندان از رانت اقتصادی، فضای نقد و گفت‌وگو را مسموم کرده‌اند. برای دستیابی به ثبات اقتصادی، حکومت باید در حوزه سیاست خارجی رویکرد خود را به‌نحوی تنظیم کند که در خدمت حفظ امنیت ملی و توان دفاعی کشور قرار گیرد. یعنی سیاست خارجی باید به‌گونه‌ای باشد که خط قرمز آن، منافع ملی ایران باشد». همچنین از نگاه یازوکی محور دیگر ضرورت تغییر رویکرد نظام حکمرانی داخلی است؛ به‌گونه‌ای که مشارکت اجتماعی افزایش یابد و سرمایه اجتماعی احیا شود. این کارشناس راه‌حل کوتاه‌مدت برای برون‌رفت از وضعیت فعلی را هم اولویت‌بندی مخارج کشور می‌داند. به عقیده او هزینه‌های غیرضروری دولت باید کاهش یابد تا بتوان هزینه‌هایی مثل هزینه‌های خسارت جنگ برای تولیدی‌ها یا شهروندان را پوشش داد. او می‌گوید: «برای مثال، در بخش تبلیغات و فرهنگ، دولت می‌تواند صداسیمرا را مکلف کند که با بودجه کمتر اداره شود و به جای انتشار روزنامه یا راه‌اندازی ده‌ها شبکه کم‌اثر، تنها چند رسانه محدود و باکیفیت‌ر اداره کند. همچنین، برخی نهادها از امکاناتی برخوردارند که تبعیض‌آمیز است. برای نمونه، اگر بیمه تکمیلی برای بازنشستگان مجلس یا نهاد ریاست‌جمهوری برقرار است، این امکان باید برای تمامی بازنشستگان فراهم شود یا منحل شود. به علاوه، بسیاری از سازمان‌ها به صورت توامی فعالیت دارند که باید جمع‌ب شوند. برای نمونه، در دوران دولت پیشین، بودجه شورای نگهبان بیش از دو برابر شد؛ بودجه جاری مجلس نیز از هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان به بیش از شش هزار میلیارد تومان افزایش یافت. در چنین شرایطی، دولت باید اراده‌ای جدی برای اصلاح تخصیص منابع داشته باشد. همچنین به‌عنوان یک اقدام کوتاه‌مدت، دولت می‌تواند برخی اموال و املاک مازاد مانند خانه‌های سازمانی را به فروش برساند تا هم درآمدی برای خزانه ایجاد شود و هم از هزینه‌های نگهداری کاسته شود».

دولت به دنبال اصلاحات نهادی باشد



وحید شقاقی‌شهری، اقتصاددان هم به «شرق» می‌گوید: اقتصاد ایران طی دهه ۹۰ به واسطه تحمیل تحریم‌های اقتصادی با شرایط بالاکلیفی و نااطمنیاتی مواجه شده بود که اثرات این نااطمنیاتی در فرار سرمایه خود را نشان داد. به طوری که در اواخر دهه ۹۰ اقتصاد ایران برای اولین بار در ۵۰ سال اخیر وارد فاز فرسودگی زیرساخت‌ها شد و رشد فرسودگی و استهلاک سرمایه از رشد سرمایه‌گذاری پیشی گرفت. او می‌گوید: «سیاست‌های غلط اقتصادی، یوولیسم اقتصادی و شعارزدگی و توهمات برخی افراد و نهادهای بالاخص قیمت‌گذاری‌های دستوری و تشدید انحصارات در قالب شبه‌دولتی‌ها موجب شد بحران‌های اقتصاد کلان انباشته شود و در سال‌های اخیر برخی از مظاهر و نشانه‌های این بحران‌ها همچون بحران انرژی در کشور ظهور کرده و در سال‌های آینده به احتمال زیاد شاهد ظهور بحران‌های متعدد در بخش آب و فروتنشست زمین و صندوق‌های بازنشستگی و ریزگرد‌ها نیز خواهیم بود. ظهور و تشدید بحران‌های اقتصادی از یک سو و تحریم‌های سخت از طرف دیگر بر نااطمنیاتی‌های اقتصادی کشور افزوده بود که جنگ تحمیلی اخیر نیز اضافه شد و به‌شدت بر بی‌ثباتی و نااطمنیاتی افزود. به طوری که هم خریداران و هم مصرف‌کنندگان و هم سازندگان و هم سرمایه‌گذاران همه منتظرند تا شرایط کمی آرام و فضای متالود و غبارآلود برطرف شود تا تصمیم بگیرند چه می‌خواهند بکنند. این شرایط پر از ابهام، به‌شدت در تضعیف سرمایه‌گذاری اثرگذار است و حتی پیامدهای این شرایط خود را در بورس اوراق بهادار نیز نشان داده است». به باور این اقتصاددان، تداوم این شرایط تقریباً غیرممکن است و دولت باید دست به اصلاحات ساختاری و نهادی بزند و ریل شرایط اقتصادی کشور را تغییر دهد. او می‌افزاید: «در این شرایط قطعاً با یک اقتصاد با ویژگی‌های شبیه اقتصاد رفاقتی، غارتی، بسته، دولتی و شبه‌دولتی، غیررقابتی، رانتی نفتی نمی‌توان پیش رفت و باید تصمیمات بسیار سختی برای تغییر ریل حکمرانی اقتصادی برداشته شود. در غیر این صورت روزبه‌روز شرایط سخت‌تر خواهد شد. این اقتصاددان تأکید می‌کند که سیاستمداران و دلسوزان کشور باید بدانند برای اتخاذ تصمیمات سخت باید محیط اقتصاد کلان به نفع بخش خصوصی تغییر بنیادین داشته باشد و تلاش شود از هزینه‌های سنگین بر بخش خصوصی کاسته شود. به گفته او، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد ملی، بهبود محیط کسب‌وکار، کاهش هزینه‌های مبادلاتی و تقویت نهادهای تأمین مالی و کاهش هزینه تأمین مالی تولید در کنار تقویت حقوق مالکیت بخش خصوصی تا حدودی می‌تواند از نااطمنیاتی‌های موجود بکاهد و بخش خصوصی می‌تواند با نوآوری و ایده و ابداعات در برابر بحران‌های کنونی کشور مقابله کند و بر آنها فائق آید. شقاقی‌شهری ادامه می‌دهد: «تا زمانی که در کشور عقلانیت حاکم نشود، بحران‌های کنونی حل نخواهد شد و بالعکس تشدید خواهد شد. بنده فعلاً در دولت جسارت این تغییر ریل حکمرانی را ندارم و ملاحظه نمی‌کنم و معتقدم درگیر روزمرگی‌های عیدیه شده است و هنوز تصویری از اصلاحات ساختاری و نهادی مشاهده نمی‌شود. با این حال تداوم شرایط کنونی غیرممکن است. همین جنگ مشخص کرد کشور تنهاست و بدیهی است اقتصادی با ۵۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی، در جهان تنها می‌ماند. اقتصاد ایران به‌شدت کوچک و از گردونه تجارت جهانی حذف شده است.

فوری مدیریت جنگی اعمال شود

سهراب دل‌انگیزان، اقتصاددان، تأکید دارد که دیگر شرایط عادی بر اقتصاد کشور حاکم نیست و باید مدیریت شرایط جنگی بر اقتصاد اعمال شود. به گفته او، این اقتصاد قاعده‌تازانستامز مراقبت بیشتری است. این اقتصاد، دیگر آن اقتصاد بازار نخواهد بود و نیازمند این هستیم که برای خورد و خوراک مردم و تأمین آن حداقل‌های قابل قبول و مطمئن برای زیست جامعه، حتما جیره‌بندی‌هایی داشته باشیم، حتما باید ذخیره‌هایمان را انجام دهیم و روی سیستم توزیع‌مان کنترل خیلی دقیقی داشته باشیم. او می‌افزاید: «همین حالا در بخش انرژی، کشور به‌شدت شکننده است. باید به آن حوزه حتما توجه خاصی شود و با درایت صرفه‌جویی‌های انجام شود. مثلاً می‌توان مصرف انرژی را در بخش‌هایی که خیلی لازم نبوده، مثل همان بحث تولید رزمراز کنترل کرد. در این حوزه‌ها حتما باید بازنگری‌هایی و دقت‌های بیشتری اعمال شود». همچنین به گفته دل‌انگیزان، بانک مرکزی هم باید با قوت و قدرت بیشتری بانک‌ها را کنترل کند و اجازه رفتارهای آزادانه که در زمان معمول داشتند را در حال جنگ یا پساجنگ به آنان ندهد. از نظر او، نااطمنیاتی‌ها در شرایط فعلی به این دلیل است که بتوانند مطمئن باشند بتوانان به اندازه کافی تأثیرگذار باشد و دولت هم مطمئن نیست که مردم به اندازه کافی رفتارهای هیجانی خودشان را کنترل می‌کنند. بنابراین هر اتفاقی بتواند کمک بکند که مردم رفتارهای هیجانی نداشته باشند و از دولت اطمینان حاصل کنند، دولت هم ارتباطش با مردم را حفظ و نیازهای اصلی مردم را تأمین کند، اعتمادی بین دولت و مردم به وجود می‌آید که می‌تواند بسیار مفید باشد. این اقتصاددان توضیح می‌دهد: «دولت‌ها در این زمان، بیشترین چیزی که نیاز دارند این است که بتوانند اعتماد مردم را به دست بیاورند. نااطمنیاتی‌های فعلی طبیعتاً باعث می‌شود که تعداد زیادی از کسب‌وکارها، حداقل بخشی از نیروی کار خودشان را ترخیص کنند. در این شرایط، نیاز است که حتما حوزه‌های بیمه بیکاری بهتر از همیشه بتوانند وظیفه خودشان را انجام دهند. همچنین بسیاری از حوزه‌های ذخیره‌ای نقدی صدمه دیده‌اند و لازم است به کسب‌وکارها کمک شود تا بتوانند در حوزه‌های دسترسی به نقد خودشان، برای امور معمول و جاری و البته آن بخش قابل قبول کسب‌وکارشان، کاری کنند. ضمن اینکه آن سیاست‌های خاص انبساطی دیگر نمی‌تواند اعمال شود که هیچ، حتی سیاست‌های خاص انقباضی زمان معمول هم قابل ارائه و قابل اجرا نیست. لذا نیازمند یک برنامه‌ریزی و دقت‌بخشی و سیاست‌گذاری‌های مجددی هستیم که مربوط به اقتصاد زمان جنگ است». طبق اظهارات این کارشناس، کار دیگری هم که نیاز است انجام شود و از نظر او دولت اکنون هم در حال انجام آن است، این است که در این شرایط جنگی، هیچ مقام دولت چر سخنگوی دولت به هیچ خبر اضافی تولید نکند. او معتقد است که متصدیان تمام دستگاه‌های دولتی باید امور جاری دستگاه خودشان بپردازند و هیچ خبر اضافی در جامعه تولید نکند که آن خبر، هیجان و آن هیجان، واکنش‌های غیرمعمول ایجاد کند. او می‌گوید: «همچنین اختیارات مدیران دولتی در حوزه کارشان مقداری گسترش پیدا کند که در مواقع بحرانی، مقداری قدرت واکنش بیشتر و قدرت تصمیم‌گیری بیشتری داشته باشند. در عین حال، در این‌گونه زمان‌ها، شایسته‌سالاری اهمیت زیادی دارد».



خطر دعوای سیاسی و جناحی

مرتضی افقه، دیگر اقتصاددان معتقد است که از سال ۱۳۹۷ به بعد، به دلیل تشدید تحریم‌ها و تحولاتی که در منطقه رخ داد یا دیده نشد یا به‌اشتباه دیده شد، برخلاف آنچه باید انجام می‌شد، عمل شد و ما فرصت‌های زیادی را از دست دادیم و هم فرصت‌ها و هم سرمایه‌های کلانی از میان رفتند. او به «شرق» می‌گوید: «برخی بر این باور بودند که بدون رفع تحریم‌ها و صرفاً با تکیا به ارتباط با مشرق یا کشورهای در حال توسعه، می‌توان مشکلات را حل کرد؛ در حالی‌که همان فرصت‌ها و سرمایه‌ها از دست رفت. برای جبران درآمدهای نفتی، اقدام به فروش دارایی‌های داخلی از جمله شرکت‌های دولتی و اوراق قرضه کردند تا جایگزینی برای درآمدهای نفتی بیابند». افقه تأکید می‌کند: «برخی گروه‌ها در همین شرایط بسیار شکننده و آسیب‌پذیر، مجدداً دعوای سیاسی و جناحی را به اوج رسانده‌اند؛ امری که نه‌تنها مانع حل مشکلات است، بلکه موجب فرار سرمایه و تشدید نگرانی عمومی می‌شود. این نوع رفتار نه تنها مشکلی را با خارج به ویژه با آمریکا و اسرائیل، حل نمی‌کند، بلکه وضعیت را بدتر نیز می‌کند. در نتیجه، اول باید با قاطعیت هماهنگی میان نهادهای تصمیم‌گیر برقرار شود. در راستای این هدف، دولت باید سیاست‌هایی شبیه سیاست‌های دوره جنگ را اجرا کند. این پیشنه‌ها را بنده از سال ۱۳۹۷ مطرح کرده‌ام؛ چراکه معتقدم شرایط پس از تشدید تحریم‌ها تفاوت چندانی با زمان جنگ ندارد. با این حال، برخی اقتصادخوانده‌ها سعی داشتند وضعیت را طور دیگری جلوه دهند. امروز، بیش از هر زمان دیگری، نیاز است که دولت بر تولید و توزیع نظارت و مدیریت مستقیم داشته باشد. وقتی می‌گویم «مستقیم»، منظور این است که حتی آن دسته از فعالیت‌هایی که توسط بخش خصوصی انجام می‌شود، با حمایت ویژه دولت و خارج از چارچوب‌های بوروکراتیک فعلی پشتیبانی شوند؛ زیرا خود بوروکراسی، یکی از عوامل ضد تولید است». افقه خاطرنشان می‌کند که اکنون حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد ظرفیت واحدهای تولیدی، حتی پیش از این جنگ، خالی مانده بود و پس از جنگ نیز شاهد تعطیلی برخی بنگاه‌ها بوده‌ایم و عمده دلایل این مسئله، ناکارآمدی مدیریتی و بوروکراسی ضد تولید است. به باور او این موارد باید با اعطای اختیارات ویژه به دولت، خارج از روال‌های معمول، مدیریت شود. او توضیح می‌دهد: «همان‌طورکه دولت سیزدهم اختیاراتی را به گروهی سه، چهار نفره برای اجرای برنامه مولدسازی اعطا کرد، اکنون نیز باید همین میزان اختیار برای حمایت از تولید - به‌ویژه واحدهای کوچک و متوسط و آسیب‌پذیر- در نظر گرفته شود. در کنار آن، دولت باید توزیع کالاها را نیز بر عهده بگیرد، دقیقاً همان‌گونه که در دوره جنگ‌ها در دنیا انجام می‌شد. باید اطمینان حاصل شود که کالاها اساسی و ضروری به دست همه مردم می‌رسد. این هدف می‌تواند با ابزارهایی چون کوپن، جیره‌بندی، و اعمال سقف قیمتی تحقق یابد؛ سیاست‌هایی که در بسیاری از کشورها در زمان بحران اجرا می‌شوند». به گفته این استاد دانشگاه، با تمام این اقدامات موقتی، به علت فرصت‌های از دست رفته کشور، در صورتی که در بلندمدت سایه جنگ را برطرف و سپس بلافاصله مسئله تحریم‌ها را حل نکنیم، با این بی‌تدبیری‌ها بعید است بتوان اقتصاد کشور را مدیریت کرد. زیرا دولت امروز دیگر منابع مالی کافی برای حمایت گسترده ندارد. اگر بخواهد از طریق تحمیل هزینه‌ها به مردم و با افزایش تورم اقدام کند، عملاً باری مضاعف در دوش مردم خواهد گذاشت. از این رو تمرکز باید روی رفع موانع تولید باشد؛ موانعی که بسیاری از آنها ارتباطی با جنگ یا تحریم ندارند. این موانع، ناشی از ناکارآمدی مدیریتی، فساد، سوءاستفاده و سوءتدبیر هستند.



خبر

شروط پنج‌گانه برای بازگشت سکوهای فروش طلاب به چرخه پرداخت

بانک مرکزی در نامه‌ای به وزارت صمت، ضوابطی را برای بازگشایی مجدد درگاه‌های پرداخت سکوهای آنلاین فروش طلا تعیین کرد؛ این شروط با هدف شفاف‌سازی مالی، امنیت تراکنش‌ها و واقعی‌سازی دارایی‌ها در راستای حفاظت از منافع و دارایی‌های مردم ابلاغ شده است. در هفته‌های اخیر فعالیت برخی سکوهای آنلاین فروش طلا با اختلال و حتی مسدودیت درگاه‌های پرداخت مواجه شد؛ علت اصلی این مسدودیت‌ها، عدم رعایت الزامات قانونی، امنیتی و مالی از سوی برخی از این سکوها عنوان شده است. در مواردی، مشاهده شد که سکوها بدون ذخیره‌سازی واقعی طلا یا بدون ثبت معاملات در سامانه جامع تجارت، به فروش طلا اقدام کرده‌اند.

همچنین عدم شفافیت در ارتباط میان کیف‌پول‌های درون‌برنامه‌ای کاربران و حساب‌های بانکی سکوها، بر نگرانی نهادهای نظارتی افزود. در پی این تحولات، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با همکاری دادستانی، پلیس فتا، پلیس امنیت اقتصادی و بانک کارگشایی، اقدام به تدوین دستورالعملی برای سامان‌دهی این حوزه کرده و طی نامه‌ای رسمی به رئیس مرکز توسعه تجارت الکترونیکی وزارت صمت، معدن و تجارت، شرایط لازم برای بازگشایی مجدد درگاه‌های پرداخت سکوهای آنلاین فروش طلا را اعلام کرده است. بر این اساس، مرکز توسعه تجارت الکترونیکی وزارت صمت، معدن و تجارت موظف شد اسامی سکوهایی را که با تأیید پلیس فراجا و بانک کارگشایی و اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی شرایط مربوطه را رعایت می‌کنند به منظور بازشدن درگاه پرداخت‌شان به بانک مرکزی اعلام کند.



شرایط و الزامات لازم برای بازگشایی درگاه

این شروط شامل ذخیره‌سازی واقعی طلا، اتصال کیف پول‌ها به بانک عامل، ثبت معاملات در سامانه جامع تجارت، تسویه‌حساب سریع با کاربران و دریافت تأییدیه امنیتی پلیس فتااست. جزئیات شروط پنج‌گانه بانک مرکزی به شرح زیر است:

۱. ذخیره‌سازی کامل طلا نزد بانک کارگشایی

همه تعهدات مرتبط با طلای فروخته‌شده به کاربران باید به صورت لحظه‌ای از سوی سکو، مربوطه نزد بانک کارگشایی ذخیره شود. همچنین سکوها موظف شده‌اند ظرف مدت سه ماه به تاریخ بازگشایی درگاه، طلاهای ذخیره‌شده را به شمش طلای استاندارد با عیار حداقل ۹۹۵ تبدیل کنند.

۲. احراز کیف پول درون‌برنامه‌ای با بانک عامل

سکوها باید ظرف یک ماه نسبت به احراز کیف پول درون‌برنامه‌ای اقدام و با یک بانک عامل معتبر قرارداد منعقد کنند. طبق این الزام، باید میان مجموع موجودی کیف پول کاربران و حساب‌های بانکی سکو نزد بانک عامل، رابطه یک‌به‌یک برقرار شود.

۳. ثبت تمامی معاملات در سامانه جامع تجارت

طبق این بخش‌نامه، همه معاملات سکوها باید در سامانه جامع تجارت وزارت صمت، معدن و تجارت ثبت و تأییدیه لازم از بخش مربوطه در وزارت صمت اخذ شود.

۴. تسویه تعهدات ریالی در مدت زمان حداکثر ۴۸ ساعت کاری

سکوها مکلف به تسویه کلیه تعهدات ریالی خود به کاربران حداکثر ظرف ۴۸ ساعت کاری هستند.

۵. دریافت تأییدیه امنیتی از پلیس فتا

سکوهای فروش طلای آنلاین باید پس از رعایت کامل این الزامات و تأیید نهادهای ذی‌ربط، اسامی سکوهای واجد شرایط به معاونت نظام‌های پرداخت و فناوری‌های نوین این بانک برای بازگشایی درگاه پرداخت اعلام خواهد شد.